

## شاخص‌های سیاسی انقلابیون از دیدگاه قرآن

احد داوری چلقائی<sup>۱</sup>

مهدی باکویی<sup>۲</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران با تأسی از تعالیم و حیانی قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به پیروزی رسید و انقلابی گری یکی از ارزش‌های جامعه اسلامی تلقی گردید. انقلابیون نیز در حوزه‌های مختلف مورد نیاز جامعه از جمله سیاست، فرهنگ و اقتصاد برای پیشبرد اهداف انقلاب تلاش کردند، حضور در این عرصه‌ها به‌ویژه عرصه سیاست، به دلیل عدم همسانی تعاریف و فقدان معیارهای سنجه‌پذیر و معین، همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است، این پژوهش درصدد است تا معیارهای سیاسی انقلابی گری را با معیار قرآن مورد بازبینی و بازیابی قرار دهد. از این رو با تحلیل آیات قرآن کریم و با کمک داده‌های کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که شاخص‌های سیاسی انقلابیون از دیدگاه قرآن چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پیروی از رهبری جامعه اسلامی، صراحت در بیان مواضع انقلابی، اعتماد به نیروهای داخلی، حساسیت در برابر دشمن، رعایت تقوای سیاسی، رعایت ارزش‌های مقبول زندگی اجتماعی و مبارزه با فساد درونی نیروهای انقلابی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی انقلابیون از نگاه قرآن هستند.

### واژگان کلیدی:

شاخص، سیاست، انقلابی گری، انقلابیون، قرآن کریم.

---

1 - استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن، قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
bakouei2011@yahoo.com

1 - دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن، قم، ایران.  
davari@quran.ac.ir

## 1-مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حکیمانه حضرت امام خمینی (رحمه الله)، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی مسلمانان در جهان بود که در تاریخ اسلام بی نظیر است. این پیروزی نتیجه تلاش نیروهای انقلابی بود که با بذل مال و ایثار جان، درخت انقلاب را به ثمر رساندند. قسمت عمده نیروهای انقلابی در مرحله پیروزی انقلاب، قرآن و عترت را الگوی خود قرار داده و تلاش‌های خود را در راستای تعالیم وحی و اهل بیت علیهم السلام انجام دادند. ماندگاری انقلاب اسلامی هم در طول مدت بیش از چهل سال به‌رغم تهدیدات استکبار جهانی و طاغوتیان، علاوه بر تأیید الهی، در سایه برخی ویژگی‌های نیروهای انقلابی - چه در مرحله پیروزی بر طاغوت و چه در مرحله تثبیت و ماندگاری انقلاب و دفاع از آن در مقابل زیاده‌خواهی‌ها - میسر بود. این ویژگی‌ها در جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... قابل بررسی و دقت هستند تا راه برای آیندگان روشن شده و معیارهای مشخصی برای ارزیابی افراد انقلابی ارائه شود. به دلیل تأثیر شاخص‌های سیاسی در تصمیم‌گیری بر کل جامعه (بشریه، 1387، ص 29)، تعیین راهبردهای شاخصی یا اجتماعی برای اداره جامعه و دولت (فارسی، 1374، ص 508) و دربرگیری تمامی مصالح جامعه و ابعاد انسان و هدایت جامعه (لک زایی، 1394، ص 6 و 7) بررسی شاخص‌های سیاسی نسبت به سایر شاخص‌ها از اولویت برخوردار است. از طرف دیگر تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از آیات قرآن قابل انکار نیست و قرآن هم در آیات متعددی به انقلاب‌های پیامبران اشاره کرده است (مصباح یزدی، 1384، ص 114 - 116؛ فارسی، 1361، ص 10 - 35)، لذا نگاه قرآنی به موضوع با بحث انقلاب اسلامی ایران تناسب، همخوانی و ضرورت دارد. از این رو این نوشتار با تحلیل آیات قرآن کریم و با کمک منابع کتابخانه‌ای، به بررسی شاخص‌های سیاسی نیروهای انقلابی (به عنوان یکی از محورهای اصلی شاخص‌های انقلابی گری) می‌پردازد. ثمره این تحلیل علاوه بر کمک به تثبیت ارزش‌های انقلابی گری و ارائه تفاسیر صحیح از انقلابیون، در مقابله با تفسیرهای افراطی یا تفریطی و مصادره به مطلوب «انقلاب» و رفع تعارض‌ها و تضادهای ناشی از تعیین مصادیق انقلابی گری نیز کارایی دارد.

جستجو در منابع مختلف اطلاعاتی اعم از کتابخانه‌ها و تارنما‌های برخط نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیت مسئله و تلاش برخی پژوهشگران برای بیان مفهوم انقلاب و انقلابی گری، شاخص‌های سیاسی انقلابی بودن و انقلابی ماندن از دیدگاه قرآن کریم مورد پژوهش جدی و تفصیلی قرار نگرفته است که نوشتار حاضر عهده‌دار این تبیین است. لازم به ذکر است که طلایه‌دار آغاز بحث شاخص‌های انقلابی ماندن، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هستند که در مرقد مطهر حضرت امام خمینی (رحمه الله) در 14 خرداد سال 1395 ضمن معرفی پنج شاخص انقلابی ماندن، در تبیین برخی شاخص‌ها، آیاتی از قرآن را مورد استشهاد قرار دادند؛ ایشان در ذیل شاخص «حساسیت در برابر دشمن» می‌فرماید: «باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد؛ ... قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است». (سخنرانی در تاریخ 14 خرداد 1395) این فرمایش معظم له اشاره به آیه 52 سوره فرقان دارد که می‌فرماید: فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس از کافران اطاعت مکن و با الهام گرفتن از قرآن با

آنان به جهادی بزرگ بپردازد. خاطر نشان می‌شود برخی از شاخص‌های انقلابیون، به طور مجزا تبیین شده‌اند؛ از جمله حساسیت در برابر دشمن، توسط مهدی باکویی و احد داوری چلقائی در نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است (باکویی، 1396). پژوهش حاضر علاوه بر اشاره به شاخص فوق، بقیه شاخص‌ها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

## 2- مفهوم‌شناسی

### 2-1- انقلابی‌گری

«انقلاب» در لغت به معنای دگرگونی بوده (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۱۷۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۷) و تعاریف متعددی از آن در علوم سیاسی ارائه شده است (شجاعیان، ۱۳۸۲، ص ۲۳ - ۲۶؛ عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۴۴ - ۴۷؛ محمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱ - ۲۶؛ مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۴، ص ۱۴۴؛ بابا پور گل‌افشانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷ - ۲۳)؛ بغرنجی، پیچیدگی، چندبعدی و چندلایه بودن، عدم اجماع و توافق بر یک تعریف مشخص و قلیل قبول برای همه مکاتب، از جمله ویژگی‌های این واژه است (نخعی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱ - ۱۷۰)؛ به گونه‌ای که برخی آن‌چنان این مفهوم را توسعه داده‌اند که هر کشمکش را می‌توان انقلاب نامید؛ حال آنکه تعداد دیگری از صاحب‌نظران مفهوم آن را چنان مضیق کرده‌اند که فقط بر تعداد محدودی از حوادث تاریخی می‌توان انقلاب نام نهاد (هادیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). با بررسی تعارف ارائه شده می‌توان «انقلاب» را به معنای دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۷ و همو، ۱۳۸۷، ص ۲۴ و ۲۵). مصداق کلی این دگرگونی در آیات قرآن کریم در نهضت‌های پیامبران نمایان می‌شود که دگرگونی‌های اساسی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را ایجاد کردند (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۳۶ - ۳۹۷) که برخی از آنها در آیات قرآن انعکاس یافته است، بررسی آیات مربوط به انقلاب موسی علیه‌السلام در برابر فرعون (از جمله سوره قصص آیات ۱-۷) نشان می‌دهد که استکبار فرعون و برقرار شدن تبعیض سیاسی و اقتصادی و اعتقادی میان او و مردم، به استقرار نظام تبعیض‌آمیز طبقاتی و به استثمار زدگی و محرومیت طبقه بزرگ و گروه اجتماعی پرشمار انجامید. اراده خدا در انتخاب و ارسال حضرت موسی علیه‌السلام به پیامبری، در برابر اقدامات سیاسی اقتصادی فرعون، اراده انقلابی بود که به یک دگرگونی ژرف اجتماعی منجر گردید و در نتیجه نظام سیاسی و اقتصادی جامعه را تغییر داده و حقوق سیاسی و اقتصادی طبقات محروم را به ایشان بازگرداند (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۱۵-۱۰) نهضت حضرت موسی علیه‌السلام باعث انقلاب‌های بزرگ اعتقادی، فرهنگی و سیاسی گردید که با سقوط فرعون و انحطاط ارزش‌های حکومت فرعون نظیر زور مداری، قدرت‌طلبی، سلطه‌جویی، فردگرایی و استبداد همراه بود و زیربنای حکومت‌های بزرگی چون حکومت حضرت داود و حضرت سلیمان علیه‌السلام را بنیان نهاد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۳ و ۸۴)، همچنان که مهم‌ترین دگرگونی‌ها در حرکت پیامبران، در نهضت اجتماعی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تجلی یافته است که در جنبه‌های مختلف اعتقادی،

اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی صورت گرفته است که از آن می‌توان به انقلاب تکاملی اسلام یاد کرد (فارسی، 1361، ص 36 - 397).

تعبیر «انقلاب» یا معادل عربی آن «الثورة» در آثار پژوهشگران معاصر با بسامد زیادی برای بعثت پیامبران به کار رفته است (باکویی، 1396، ص 35 و 36) و بررسی معنای لغوی بعثت، ارتباط بین «انقلاب» و «بعثت پیامبران» را تأیید می‌کند؛ زیرا «بعثت» از ریشه «ب ع ث» مشتق شده که بر «اثارة» و برانگیخته شدن دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۶۶) و در بحث «انقلاب» به معنای مصطلح نیز برانگیختن توده‌های مردم و بیدار کردن آن‌ها برای مبارزه با ظلم و ستم مشهود است.

## 2-2- سیاست

سیاست به رغم تعریف‌های متعددی که دارد (بهریزی لک، 1392، ص 41 - 45) در کل به مفهوم عمل اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه است (بشریه، 1387، ص 29) و به معنای عام هرگونه راهبرد و روش و شیوه برای اداره امور، اعم از امور شخصی یا اجتماعی است که در آن اقتدار سازمان یافته اعمال می‌شود و در معنای خاص، اغلب به هر امری اطلاق می‌شود که به سازمان اقتدار در جامعه یا دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت و طرز حکومت مربوط باشد (فارسی، 1374، ص 508). به نظر برخی محققان سیاست در نظر گرفتن تمامی مصالح جامعه و ابعاد انسان و هدایت جامعه تعریف می‌شود. بر این اساس سیاست به معنای راهبری به سوی خداست و سیاست ورزی مختص انبیاء و رهروان آنان است. (لک زایی، 1394، ص 6 و 7).

بنابراین مراد از شاخص‌های سیاسی انقلابی گری، ویژگی‌های برجسته نیروهای انقلابی در حوزه شخصی و اجتماعی مربوط به اداره امور جامعه اسلامی است.

## 3- تحلیل شاخص‌های سیاسی انقلابی گری

با بررسی آیات قرآن و توجه به سیاق و دلالت آنها و با استمداد از منابع روایی معتبر، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی انقلابی گری را چنین برشمرد:

### 3-1- پیروی از ولایت و رهبری جامعه اسلامی

هر جامعه‌ای برای پیشبرد امور خود نیاز به راهبر دارد تا امور را به دست گرفته و جامعه و افراد آن را به سعادت برساند. برای موفقیت رهبر جامعه نیز مردم و سایر ارکان موظف به تبعیت از دستورات وی هستند. ولایت سیاسی جامعه اسلامی برخلاف جوامع بشری ویژگی‌های خاصی دارد، بر اساس تعالیم و حیانی، ولایت معنوی و سیاسی جامعه تنها از آن خداوند است و سپس به پیامبر و ائمه علیهم‌السلام و منصوبان الهی می‌رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج 6، ص 6) ویژگی‌ها و شاخص‌های این نوع رهبری از برخی آیات قرآن قابل استخراج و استنباط است؛ از منظر قرآن رهبری الهی به هدف و مکتب ایمان دارد (بقره: 285)، در اصول قاطع (کافرون: 6) و با مستضعفان همراه است (کهف: 28)، بر طریق عدل و داد حرکت می‌کند و ظالم نیست (بقره: 124)، در برابر افراد نادان نرمش و انعطاف دارد و در مصالح جزئی حاضر به مصالحه است

(آل عمران: 159)، متواضع است (حجر: 88)، سعه‌صدر دارد (انشراح: 1) و برداشتن قیدها، بندها و خرافات را وظیفه خود می‌داند (اعراف: 157). چنین رهبری از آنجا که در راستای ولایت الله حرکت می‌کند با رهبری خود می‌تواند جامعه را از ظلمت به روشنایی و به جامعه‌ای متعالی هدایت کند (نیکفر، 1395، ص 17). اطاعت از چنین رهبری لازمه زندگی معنوی هر مسلمانی است که در آیات متعددی با تعبیر «أَطِيعُوا» (آل عمران: 32) به آن امر و با تعبیر «لَا تَتَّبِعُوا» (انعام: 153) از اطاعت رهبران غیر الهی نهی شده است. اطاعت از رهبری پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را در همه جنبه‌های شریعت و احکام الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج 4، ص 387) و پذیرش داوری دستورات الهی و تعالیم نبوی در موارد اختلافی مورد تاکید قرآن قرار گرفته است (نساء: 59).

در زمان حضور شخص معصوم، او در رأس حکومت قرار می‌گیرد و حکومت ایده‌آل و مطلوبی تشکیل می‌شود، اما در عصر غیبت امام معصوم که دسترسی به وی میسر نیست برای اجرای قوانین اسلام، هماهنگ کردن نیروها و سازمان‌های متعدد و راهبری مردم به تعالیم اسلام، کسی عهده‌دار این رهبری می‌شود که بیشتر از بقیه از اسلام آگاه بوده، تقوا، تدبیر و مدیریت اداره جامعه اسلامی را داشته باشد، از چنین کسی به ولایت‌فقیه تعبیر می‌شود (جوادی آملی، 1389، ص 212-230؛ مصباح یزدی، 1380، ص 149-154). اطاعت از رهبر در زمان حضور معصوم علیه‌السلام مثلاً در زمان حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به زمان عدم حضور معصوم آسان‌تر است؛ چنان‌که پیامبر خاتم خطاب به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: شگفت‌انگیزترین مردم در ایمان و با یقین‌ترین آن‌ها کسانی هستند که پیامبر خود را ندیدند و امامشان نیز از آنها در حجاب است و با کمک سیاهی خطوط بر صفحات سفید کاغذ ایمان می‌آورند: يَا عَلِيُّ وَ اعْلَمُ أَنَّ اعْجَبَ النَّاسِ اِيْمَانًا وَ اعْظَمَهُمْ يَقِيْنًا قَوْمٌ يَكُوْنُوْنَ فِيْ اٰخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يُلْحِقُوْا النَّبِيَّ وَ حَبَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ فَاْمَنُوْا بِسَوَادٍ عَلٰى بِيْاضٍ (ابن‌بابویه، 1395 ق، ج 1، ص 288؛ شعیری، بی‌تا، ص 180)؛ بنابراین انقلابیون چه در حضور معصوم و چه در غیبت ایشان، از ولی برحق جامعه تبعیت می‌کنند.

تبعیت از رهبر با ادعای زبانی حاصل نمی‌شود بلکه زمانی باعث رستگاری می‌گردد که در عمل منجر به حمایت و یاری رهبر گردد (اعراف: 157)، از جمله سیره مسلمانان انقلابی صدر اسلام بیانگر یاری عملی رهبر جامعه است که در سخت‌ترین شرایط صورت گرفته است؛ حتی گاهی پس از شکست‌های سنگین نظامی و از دست دادن ده‌ها نیروی شجاع و زنده مانند حضرت حمزه سیدالشهدا علیه‌السلام در میدان‌های جنگ با کفار، باز هم با پیامبر در نبرد جدیدی مشارکت کردند، مسلمانان شکست‌خورده، زخمی شده و صدمه‌دیده در جنگ احد، به دستور الهی و به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آماده نبرد دیگری به نام «حمراء الاسد» شدند و حدود هفتاد نفر از آن‌ها تا هشت میلی مدینه در تعقیب مشرکان راه پیمودند (طبری، 1387، ج 2 ص 534؛ جزری، 1385، ص 164؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج 4، ص 116-118؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج 1، ص 440). این حرکت مسلمانان به معنای تبعیت عملی محض از رهبری جامعه اسلامی محسوب می‌گردد که علی‌رغم سختی‌ها و جراحات بازهم از فرمان پیامبر سرپیچی نکردند، لذا قرآن آن‌ها را با وعده پاداشی بزرگ ستود: الَّذِيْنَ اسْتَجَابُوْا لِلّٰهِ وَ الرَّسُوْلِ مِنْۢ بَعْدِ مَاۤ اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِيْنَ

أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ (آل عمران: 172)؛ کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است. تبعیت مسلمانان از دستور رهبر جامعه در جنگ حمراء الاسد در شرایط فوق باعث وحدت سیاسی، پاسخ دندان شکن به دشمنان داخلی و منافقان و تقویت روحیه مسلمانان گردید و باعث شد تا مشرکان به جای حمله مجدد به مدینه، راه مکه را در پیش بگیرند. (سبحانی، 1363، ج 2، ص 77 - 79؛ حسنی، 1380، ص 229 - 231).

در نقطه مقابل تبعیت، عدم پیروی از رهبر جامعه باعث خساراتی به نیروهای انقلابی می شود که نمونه قرآنی آن در ماجرای بی توجهی بنی اسرائیل به دستورات حضرت موسی علیه السلام در جانشینی حضرت هارون مطرح شده است که عدم پیروی از جانشین به حق رهبر، باعث شرک و گوساله پرستی آن ها گردید: وَ لَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ أطيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نُبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى (طه: 90 و 91)؛ و در حقیقت هارون قبلاً به آنان گفته بود ای قوم من شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته اید و پروردگار شما [خدای] رحمان است پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید. [آنان در پاسخ هارون] گفتند ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد.

### 3-2- صراحت در بیان مواضع

در دنیای سیاست گاهی مطالب را به صورت مبهم، گنگ و دوپهلوی مطرح می کنند تا به اهداف خود برسند و هرکسی به تناسب دیدگاه و سلیقه و نیازش مطلب را تفسیر کند، استفاده از مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی در برخی سخنرانی ها بدون ارائه تعریف دقیق و شفاف باعث برداشت های متنوع و دلخواه می گردد. در برخی از موارد نیز صحبت دوپهلوی و عدم بیان صریح دیدگاه ناشی از ضعف گوینده است که نمی تواند مطلب را به مستمع القاء کند؛ اما سیره انقلابیون در آیات قرآن بیانگر صراحت در بیان عقاید، باورها، برنامه ها و تصمیمات است تا منع سوء برداشت ها شده و مطالب به صورت صحیح به مخاطب القاء شود. از جمله مواردی که بیانگر مبانی قرآنی صراحت نیروهای انقلابی است، رفتار پیامبر با مشرکان است که پس از نقض عهد و پیمان آنها، به دستور خدا صراحتاً مهلت چهارماهه ای برای پیوستن به نیروهای انقلابی یا ترک وطن داده است (فخر رازی، 1420 ق، ج 15، ص 523؛ طبری، 1412 ق، ج 10، ص 61-64؛ ثعلبی، 1422 ق، ج 5، ص 14؛ قرطبی، 1364، ج 8، ص 86): بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (توبه: 1 و 2)؛ [این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته اید پس [ای مشرکان] چهار ماه [دیگر] با امنیت کامل [در زمین بگردید و بدانید که شما نمی توانید خدا را به ستوه آورید و این خداست که رسواکننده کافران است. صراحت پیامبر خاتم به عنوان رهبر نیروهای انقلابی در آیات دیگر نیز مشاهده می شود (یونس: 41؛ زمر: 39 و 40؛ شعراء: 216؛ کافرون: 1-6) چنانکه سایر

پیامبران نیز در تبیین عقاید توحیدی از بیان صریح مواضع، امتناع نکرده‌اند؛ از جمله:

الف: تصریح حضرت ابراهیم و یارانش به برائت از عبادت بت‌ها: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَأَ حَسَنَةً فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤَا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ (ممتحنه: 4)؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.

ب: صراحت حضرت لوط علیه‌السلام در بیزاری از اعمال ننگین قومش: قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (شعراء: 168)؛ گفت به راستی من دشمن کردار شمایم.

ج: حضرت هود علیه‌السلام در برابر مشرکان نیز مصداق دیگری از انقلابیون است که با صراحت از معبودهای آن‌ها بیزاری جست: إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعاً ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (هود: 54 - 56)؛ [چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند گفت من خدا را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم، پس همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید، در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد به راستی پروردگار من بر راه راست است.

د: صراحت حضرت موسی علیه‌السلام در مقابل فرعون نیز چشمگیر است و با صراحت درخواست می‌کند تا بنی‌اسرائیل را همراه او بفرستد تا از زیردستی فرعونیان نجات یافته و آزادانه عقیده توحیدی را پذیرا شوند: وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (اعراف: 104 و 105)؛ و موسی گفت ای فرعون بی‌تردید من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم، شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست.

گاهی عدم صراحت در بیان مواضع و عقاید، از روی ضعف نیست، بلکه به عنوان تاکتیکی در مقابل دشمن برای حفظ جان یا آبرو به کار می‌رود، این موارد از شمول صراحت خارج می‌شود، همچنان که بر اساس شأن نزول‌های ذکرشده در ذیل آیه ۱۰۶ سوره نحل درباره عمار (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۵۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۳۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۸۸ و ۲۸۹) چنین برداشت می‌شود که برای حفظ جان و ذخیره کردن نیروها برای خدمت بیشتر در راه خدا، هنگامی که مسلمانی گرفتار دشمنان بی‌منطق می‌شود جایز است با زبان از اسلام بیزاری جست و به کفر اعلام وفاداری کند درحالی‌که قلبش سرشار از ایمان است و این همان تقیه مجاز است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۱۹؛

سبحانی تبریزی، 1425 ق، ج 5، ص 587 - 635) شبیه این رفتار در باره مؤمن آل فرعون (غافر: 28) نیز ذکر شده است (طبرسی، 1372، ج 8، ص 810 و 811؛ مکارم شیرازی، 1374، ج 20، ص 88 - 90). دوراندیشی سیاسی اصحاب کهف و تدارک همه جوانب و حذر از خطر نیز مصداق دیگری برای این تاکتیک محسوب می‌شود، آن‌ها پس از بیدار شدن از خواب در غار، هنگامی که خواستند از شهر مایحتاج ضروری تهیه کنند با تصور اوضاع نابسامان و ضدتوحیدی شهر تصمیم گرفتند تا کسی از وضعیت آنها باخبر نباشد و بدین ترتیب از جان و اعتقاد خود مراقبت کرده و رستگار گردند: وَلَا يَشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (کهف: 19 و 20)؛ و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ‌کس را از [حال] شما آگاه نگرداند، چرا که اگر آنان بر شما دست‌یابند سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید.

### 3-3- اعتماد به نیروهای انقلابی

اجرای برنامه‌های جامعه اسلامی و رفع نیازهای مسلمانان به امکانات و نیروی انسانی نیاز دارد تا هم برنامه‌ریزی مناسبی انجام گیرد و هم برنامه تدوین شده به مرحله اجرا درآید، انجام این دو امر می‌تواند با کمک نیروهای داخلی یا تکیه بر بیگانگان انجام شود، بررسی نمونه‌های تاریخی ذکر شده در آیات قرآن بیان می‌کند که نیروهای انقلابی در هر دو زمینه «برنامه‌ریزی» و «اجرای برنامه‌ها» به نیروهای داخلی اتکا و با کمک آن‌ها موانع پیش روی مسلمانان در جوامع توحیدی را بردارند.

دستور به مشورت در برخی امور جامعه (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ آل عمران: 159) از مواردی است که اتکا به نیروهای داخلی در برنامه‌ریزی را مطرح می‌کند. لذا ویژگی همه مؤمنان متوکل نیز مشورت ذکر شده است (مکارم شیرازی، 1374، ج 20: 458)؛ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شوری: 38)؛ و کارشان در میانشان [با] مشورت است. از طرف دیگر تخلف از تصمیم جمعی و مورد اجماع رهبر و مردم نیز جایز نیست: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (نور: 62)؛ جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند در حقیقت کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند آنان‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

نمونه بارز برنامه‌ریزی برای انجام امور مربوط به جامعه در انقلاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مشورت با اصحاب از جمله حضرت سلمان (رحمه الله) در غزوه احزاب بود که منجر به حفر خندق گردید (ذهبی، 1409 ق، ج 2، ص 566؛ ابن ابی یعقوب، بی‌تا، ج 2، ص 50؛ سمرقندی، 1416 ق، ج 3، ص 47) و ثمره آن شکست محاصره اقتصادی - نظامی دشمنان بود.

مرحله نهایی اعتماد به توان نیروهای داخلی، اجرای برنامه‌ها با کمک آنها و عدم تکیه بر بیگانگان است. قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مؤمنان را برای مبارزه با دشمنان



کافی می‌داند: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (انفال: 64). چنین نیروهایی با درایت تصمیم گرفته و شجاعانه عمل می‌کنند که نمونه آن در بت‌شکنی حضرت ابراهیم علیه‌السلام دیده می‌شود: وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (انبیاء: 57 و 58)؛ و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید قطعاً در کار بتاننان تدبیری خواهم کرد، پس آنها را جز بزرگ‌ترشان را ریزیز کرد باشد که ایشان به سراغ آن بروند.

### 3-4- حساسیت در برابر دشمن

نیروهای انقلابی در برابر تحرکات دشمن درونی و بیرونی، حساس بوده و با شناخت سریع موضوع واکنش مناسبی را نشان می‌دهند. حساسیت در مرتبه اول با شناخت دشمن صورت می‌گیرد چنانکه در حدیث نبوی شناخت دشمن در ضمن شناخت پروردگار از نشانه‌های عاقلان معرفی شده است: «أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۳۷)؛ آگاه باشید که عاقل‌ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و اطاعتش کند و دشمنش را شناخته و با او مخالفت نماید. بخشی از شناخت دشمن مربوط به شناخت زمینه‌ها و راه‌هایی است که دشمن برای ضربه زدن به نیروهای انقلابی از آنها استفاده می‌کند، از جمله این راه‌ها می‌توان به تفرقه (قصص: 4)، تخریب شخصیت نیروهای انقلابی (شعراء: ۱۱۱) و نبرد غیرمنتظره مانند تلاش برای حملات غافلگیرکننده (نساء: ۱۰۲) اشاره کرد.

پس از شناخت باید تدابیری برای پیشگیری از اقدامات دشمن اندیشید یا اقدامات وی را خنثی نمود، مصداقی از تدابیر پیشگیرانه، آماده کردن تجهیزات نظامی از سوی حکومت انقلابی به عنوان متولی جامعه اسلامی است. اهمیت تجهیزات نظامی برای پیشگیری از حملات دشمن به اندازه‌ای است که خداوند به آماده کردن هر نوع نیروی مادی و معنوی دستور داده است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مکارم شیرازی، 1374، ج ۷، ص ۲۲)، تهیه چنین تدارکاتی با هدف ترساندن دشمنان خدا و دشمنان نیروهای انقلابی شکل می‌گیرد چه دشمنانی که شناخته شده هستند و چه آن‌هایی که هنوز ناشناس هستند؛ اعم از منافقانی که در ظاهر در کنار مسلمانان هستند و کفاری که هنوز با مسلمانان درگیر نشده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۱۱۶) و فقط خداوند از دشمنی آن‌ها آگاه است: وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَأَنْتُمْ لَأَتَعْلَمُونَ (انفال: ۶۰)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت. در این آیه طبق برخی روایات مصداق «قوة» هر نوع سلاح (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص: ۲۷۹)، تیر جنگی (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ص ۴۶۸)، شمشیر و سپر (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۶۶) و حتی خضاب کردن موهای سر و صورت (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۲۳) است که رزمنده‌ها را جوان نشان داده و

نوعی جنگ روانی علیه دشمن محسوب می‌شود.

مرحله نهایی حساسیت در برابر دشمن را می‌توان جهاد همه‌جانبه با دشمن است: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (تحریم: ۹)؛ ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است. «جهاد» از ماده «جهد» در اصل به معنای طاقت، نیرو و مشقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۰۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۸۶) و زمانی که گفته می‌شود فلانی جهاد کرد، مراد به کار انداختن قدرت خود و تحمل مشقت و تلاش است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۷)؛ این تلاش هم می‌تواند در مقابل دشمن درونی یعنی نفس باشد و هم دشمن بیرونی که در برخی روایات به آنها اشاره شده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ص ۳۷۸)، لذا باید به بهترین وجه انجام گیرد، بنابراین دستور داده شده تا حق جهاد ادا شود: وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۸)؛ و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید. حق جهاد به معنای عالی‌ترین مراتب جهاد است یعنی جهادی خالصانه و فقط در راه خدا (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴، ص ۴۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۸۲) که هیچ نوع کوتاهی در آن صورت نگیرد (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ج ۱۷، ص ۲۵۱) این جهاد گاهی با مال و گاهی با زبان و زمانی با بذل جان صورت می‌گیرد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۳۹۸)؛ بنابراین حساسیت در برابر دشمن را می‌توان یکی از شاخص‌های سیاسی انقلابیون ذکر کرد (باکویی، ۱۳۹۶، ص ۳۸ - ۵۶).

### 3-5- رعایت تقوای سیاسی

تقوا از ماده «وقایه» و ریشه «وقی» به معنای نگهداری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۸۱) از این رو تقوا را به معنای پارسایی و خودنگهداری معنا می‌کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶) پارسایی گاهی به صورت فردی اجرا می‌شود به گونه‌ای که فرد به خاطر خداوند، از برخی گناهان یا مکروهات خودداری کرده و برخی افعال را انجام نمی‌دهد؛ و گاهی در مورد مسائل مربوط به جامعه مطرح می‌شود که از آن به «تقوای سیاسی» تعبیر می‌شود، تقوای سیاسی مربوط به دقت در لغزشگاه‌هایی است که امکان سوءاستفاده دشمن وجود دارد. بیان مقام معظم رهبری در تبیین این محورهای تقوا چنین است: «اینکه ما عرض کردیم که باید به آرمان‌ها پای بند بود، اسلام این‌ها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز بکند» (سخنرانی معظم له در ۱۴ خرداد ۱۳۹۵).

یکی از مهم‌ترین مواردی که باعث سوءاستفاده دشمن می‌گردد، استفاده از واژگانی است که معانی متعددی داشته و دشمن معنای مطلوب خود را از آن برداشت می‌کند؛ خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که از چنین واژگانی استفاده نشود، از جمله به مسلمانان دستور داده است که به جای واژه «راعنا» از واژه «انظرنا» استفاده کنند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَأَسْمِعُوا (بقره: ۱۰۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگویید «راعنا» و بگویید «انظرنا» و این

توصیه را [بشنوید؛ زیرا واژه راعنا دارای دو معنی است هم به معنی رعایت کردن و هم نوعی دشنام در زبان عبری به معنای تحمیق کردن یا آرزوی ناشنوایی برای شنونده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۱۹، طوسی، [ابی‌تا]، ج ۱، ص ۳۸۸ و ۳۸۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۶۳۴)؛ در صدر اسلام یهودیان مخالف پیامبر معنای دوم این واژه را برجسته می‌کردند تا به سخره پیامبر و مسلمانان پردازند، قرآن با توجه به چنین لغزشگاهی، دستور داد از واژه‌هایی استفاده شود که تبعات منفی ندارد.

جنبه دیگر رعایت تقوای سیاسی، پرهیز از افشای اسرار است، با فاش نمودن رازهای مخصوص مؤمنان و حکومت اسلامی، امکان سوءاستفاده دشمن بلکه در برخی موارد زمینه سلطه سیاسی فراهم می‌گردد، لذا خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد تا بیگانگان را محرم اسرار ندانند؛ بدان جهت که افراد غیرخودی از هیچ‌گونه تباهی در حق نیروهای انقلابی کوتاهی نمی‌کنند و هدف نهایی آنها به سختی کشاندن مؤمنان است که گاهی از لحن گفتارشان نیز می‌توان به دشمنی آنها پی برد: *يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطْلَنَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ* (آل عمران: 118)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراهز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند آرزو دارند که در رنج بیفتید دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگ‌تر است در حقیقت ما نشانه‌ها [ای دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید.

سنجش اخبار قبل از تصمیم‌گیری زمینه رعایت تقوای سیاسی را فراهم می‌سازد، بی‌توجهی به سخنان افراد فاسق و دروغ‌گو در تصمیم‌گیری‌های اساسی و سنجش اخباری که از طرق گوناگونی به دست نیروهای انقلابی می‌رسد، لازمه تصمیم‌های مهم سیاسی است که در آیات قرآن نیز به‌گونه‌ای بر آن تأکید شده است، خداوند دستور داده است اگر فاسقی خبری آورد قبل از تصمیم‌گیری، صحت یا سقم آن بررسی شود تا مبدا از روی ناآگاهی تصمیمی گرفته شود که منجر به پشیمانی گردد: *يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحِّحُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ* (حجرات: 6)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک واری کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

زمینه دیگر تقوای سیاسی، سعه‌صدر مدیران انقلابی است. هر مدیریتی از جمله مدیریت سیاسی جامعه، نیازمند سعه‌صدر است که در روایات نیز بر آن تأکید شده است (نهج‌البلاغه، کلمات قصار 176؛ لیثی واسطی، 1376، ص 18). در سیره انقلابیونی مانند پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم علاوه بر تأکید زبانی، در عمل نیز حضرت از خود سعه‌صدر نشان دادند تا جایی که منافقان وی را فردی «أَدْنُ» یعنی خوش‌باور نامیدند؛ (ابن عاشور، 1984 م، ج 10، ص 134؛ ابن ابی حاتم، 1419 ق، ج 6، ص 1826؛ طوسی، [ابی‌تا]، ج 5، ص 248) منافقان یکی از نقاط قوت پیامبر صلی الله علیه و آله را که وجود آن در یک رهبر لازم است، به عنوان نقطه‌ضعف نشان می‌دادند و از این واقعیت غافل بودند که یک رهبر محبوب، باید نهلیت لطف و محبت را نشان

دهد و حتی الامکان عذرهای مردم را بپذیرد (مکارم شیرازی، 1374، ج 8، ص 15): وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (توبه: 61)؛ و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او زودباور است بگو گوش خوبی برای شماست به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می‌کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمتی است و کسانی که پیامبر خدا را آزار می‌رسانند عذابی پردرد [در پیش] خواهند داشت.

### 3-6 - رعایت اصول اولیه و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر زندگی بشر

برخی از مسائل، مورد اتفاق همه جوامع بشری بوده و در همه آن‌ها به عنوان ارزش محسوب می‌گردد، انقلابیون نیز در تعامل با جوامع بشری و سایر ملل از این قواعد بهره برده و به آن‌ها به عنوان ابزارهای تفاهم و تعامل با جوامع می‌نگرند، مواردی نظیر صداقت، وفای به عهد و... که در آیاتی از قرآن نیز به برخی از آن‌ها اشاره شده است از قبیل:

الف: وفای به عهد؛ پذیرش عهد و پیمانی که میان افراد و گروه‌ها منعقد می‌شود از اصول مورد اتفاق همه (و یا بیشتر) جوامع بشری است و حتی لازم است به عهد و پیمان‌هایی که با مشرکان نیز منعقد شده است وفا گردد: إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه: 4)؛ مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد.

در کلامی از امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام وفای به عهد ارزشی پذیرفته شده نزد همه جوامع معرفی گردیده است. بی‌تردید وفای به عهد یکی از ده‌ها موردی است که کم‌وبیش دارای چنین ویژگی هستند. (علیدوست، 1391، ص 88) آن حضرت در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسند: «إِنَّ عَقْدَتَ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةٌ أَوْ الْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةٌ فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَ أَرَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَّتِ أَرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لَمَّا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْعَدْرِ» (نهج‌البلاغه، نامه 53؛ ابن شعبه حرانی، 1404 ق، ص 146)؛ اگر بین خود و دشمنان قراردادی بستنی، یا از جانب خود به او لباس امان پوشانندی، به قراردادت وفا کن و امان دادنت را به امانت رعایت نما و خود را سپر تعهدات خود قرار ده، زیرا مردم بر چیزی از واجبات الهی چون بزرگ شمردن وفای به پیمان - با همه هواهای گوناگون و اختلاف آرایه که دارند - اتفاق ندارند. مشرکین هم علاوه بر مسلمین وفای بر عهد را بر خود لازم می‌دانستند، چراکه عواقب زشت پیمان‌شکنی را آزموده بودند.

ب: اعطای پناهندگی سیاسی برای یادگیری و فهم صحیح اسلام؛ برای فهم بهتر مفاهیم اسلامی و باور قلبی به آن از سوی مشرکان و یا افرادی که به آن ایمان ندارند، درک مستقیم و رویارویی عینی با آیات قرآن و دستورات اسلام بیشترین نتیجه را به بار می‌آورد، از این روی خداوند به

پیامبر دستور می‌دهد اگر کسی از مشرکان بخواهد کلام خدا را بشنود به وی چنین اجازه‌ای داده شده و هیچ تعرضی به وی نشود تا پس از شنیدن کلام الهی به منطقه امن خود بازگردد: وَ إِن أَحَدًا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (توبه: 6)؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی نادان‌اند.

همچنین گاهی لازم است برای پیشبرد اهداف انقلاب، نرمش قهرمانانه نشان داده شود؛ پذیرش ولایت‌عهدی امام رضا علیه‌السلام و پذیرش صلح امام حسن علیه‌السلام در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌تواند مصادیقی از این نرمش قهرمانانه تلقی شود؛ همچنین نرمش حضرت موسی علیه‌السلام در مقابل فرعون در آیه زیر می‌تواند بیانگر چنین نرمشی باشد؛ در این آیات، حضرت موسی علیه‌السلام به خواسته‌های فرعونیان مبنی بر دعا برای رفع بلا پاسخ مثبت می‌دهد تا شاید زمینه ایمان آن‌ها فراهم شود (مکارم شیرازی، 1374، ج 6، ص 326): وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (اعراف: 134 و 135)؛ و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد گفتند ای موسی پروردگارت را به عهدی که نزد تو دارد برای ما بخوان اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و بنی‌اسرائیل را قطعاً با تو روانه خواهیم ساخت و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان‌شکنی کردند.

ج: فرمان عفو عمومی یا عفو سیاسی؛ در بیشتر ملل، بنا به مصالحی فرمان عفو عمومی از سوی رهبر جامعه صادر می‌شود تا مجرمان به آغوش جامعه بازگردند، عفو عمومی علاوه بر اثبات بزرگی رهبر جامعه و قدرت وی، قلب‌های مردم را هم نرم کرده و باعث دید مثبت و نظر مساعد خانواده‌های زیادی نسبت به حکومت می‌شود، در واقع نوع برخورد با مخالفان در تغییر روحیه و جلب آن‌ها به جمع نیروهای انقلابی مؤثر است، لذا در برخی موارد به تناسب شرایط به مدارای سیاسی با مخالفان دستور داده شده است در مورد حکومت نو پای اسلامی در صدر اسلام هم نمونه‌هایی از این عفو عمومی دیده می‌شود: لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (توبه: 117)؛ به یقین خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل‌های دسته‌ای از آنان منحرف شود باز برایشان ببخشد چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است. گاهی عفو پیامبر شامل افراد خاصی شده است که بعد از توبه کردن قصد بازگشت به آغوش اسلام را دارند؛ از جمله سه نفر از مسلمانان به نام‌های کعب بن مالک، مراره بن ربیع و هلال بن امیه از روی سستی از شرکت در غزوه تبوک خودداری کردند و پس از پشیمانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عذرخواهی کردند که پس از مدتی توبه آن‌ها مورد پذیرش قرار گرفت و عفو شدند (طبرسی، 1372، ج 5، ص 120؛ طبرانی، 2008، ج 3، ص 354): وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ

الرَّحِيمُ (توبه: 118)؛ و [نیز] بر آن سه تن که بر جای ملنده بودند او قبول توبه آنان به تعویق افتاد [تا آنجا که زمین با همه فراخیش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است. پذیرش توبه حضرت حر علیه‌السلام در ماجرای کربلا را می‌توان مصداق عفو در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام دانست (ابن اثم کوفی، 1411 ق، ج 5، ص 101 و 102؛ قندوزی، 1422 ق، ج 3، ص 76 - 78).

### 3-7 - مبارزه با فساد درونی نیروهای انقلابی

گاهی در میان نیروهای خودی، روزنه‌هایی از فساد دیده می‌شود و چه‌بسا برخی از افراد نیز به فساد آلوده شوند که بر اساس سیره عقلا مبارزه با آن ضروری است، حتی گاهی فساد درونی نیروهای انقلابی در مراکز فرهنگی نظیر مسجد شکل می‌گیرد تا در قالبی مذهبی و به دور از هرگونه شک و شبهه‌ای به فعالیت‌های خرابکارانه خود بپردازند، نمونه چنین توطئه‌ای در زمان پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله، توسط برخی منافقان در ساخت مسجد ضرار نمایان شد و پیامبر به دستور وحی به تخریب آنجا پرداخت (طبری، 1387 ق، ج 3، ص 110؛ بلاذری، 1417 ق، ج 1، ص 282 و 283). آیاتی از سوره توبه به این مسئله اشاره کرده است (توبه: 107 - 110).

مهم‌ترین دلیل انحراف نیروهای انقلابی از اصل انقلاب و اسلام، بر طبق برخی آیات وجود رخنه‌های اعتقادی است، مثلاً کفر منافقان پس از ایمان باعث شده است تا در فهم دچار سرگردانی شوند و از جمع نیروهای انقلابی خارج گردند: ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (منافقون: 3)؛ این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند. این افراد شناخت صحیحی از خداوند ندارند به عنوان نمونه عزت پروردگار را باور نداشته و در غیر خداوند به دنبال آن هستند: بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَتْهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: 138 و 139).

لازمه هشدار به مؤمنان و مبارزه با فساد درونی آن‌ها این است که دستورالعمل‌های صریحی تدوین گردد تا در مواجهه با موارد شبهه‌ناک امکان سوءبرداشت‌ها از بین برود، در انقلاب پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم چنین دستورالعمل‌هایی ارائه شده است، از جمله لزوم تبعیت از رهبری (نساء: 59؛ انفال: 46)، تعیین جانشین وی در آیاتی نظیر آیه ولایت (مائده: 55 و 56)، وجود قوانین صریح اقتصادی از جمله تحریم ربا (بقره: 278 و 279)، ارائه دستورالعمل‌های کنترل نگاه (نور: 30 و 31) و دستور ازدواج (نور: 32 و 33) برای جلوگیری از نفوذ دشمن درونی و ممانعت از تحریک شیطان جهت پیشگیری از مشکلات اخلاقی نیروهای انقلابی، دستورالعمل‌های خاص رفتاری به برخی افراد مطرح و بزرگان جامعه برای جلوگیری از نفوذ منافقان و سوءاستفاده آن‌ها از جمله رعایت تقوا و عدم تبرج جاهلی (احزاب: 32 و 33) در این زمینه قابل استناد است. بی‌شک اجرای این دستورات از دانستن آنها مهم‌تر است.

#### 4- نتیجه‌گیری

شناخت شاخص‌های انقلابی‌گری برای مقابله با افراط و تفریط در معرفی انقلابیون و تثبیت ارزش‌های انقلابی‌گری ضروری است و به دلیل تأثیر شاخص‌های سیاسی بر امور کلان جامعه و اداره آن، بررسی شاخص‌های سیاسی اهمیت ویژه می‌یابد، پژوهش حاضر با توجه به انتساب انقلاب اسلامی ایران به تعالیم وحیانی قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و اشاره‌های متعدد آیات به انقلاب‌های انبیاء در پی بررسی شاخص‌های سیاسی نیروهای انقلابی از دیدگاه قرآن است.

به رغم تعاریف متعدد، می‌توان انقلاب را دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد و نهضت‌های پیامبران به جهت ایجاد دگرگونی‌های اساسی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی جامعه می‌تواند مهم‌ترین مصداق انقلاب در آیات قرآن باشد، بررسی تطبیقی معنای لغوی انقلاب با بعثت و تحلیل تغییرات بنیادین ایجاد شده در نهضت پیامبرانی همچون حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت موسی علیه‌السلام می‌تواند نشانه‌ای بر صحت این تطبیق باشد، علاوه بر اینکه سیره علما در به کار بردن واژه انقلاب بر بعثت انبیاء دارای پیشینه و بسامد زیادی است.

تتبع، تدقیق و تحلیل آیات قرآن با استمداد از منابع روایی بیان‌گر آن است که پیروی از ولایت و رهبری جامعه اسلامی، صراحت در بیان مواضع، اعتماد به نیروهای انقلابی، حساسیت در برابر دشمن، رعایت تقوای سیاسی، رعایت اصول اولیه و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر زندگی بشر و مبارزه با فساد درونی نیروهای انقلابی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی نیروهای انقلابی از چشم‌انداز قرآن هستند.

## 6- فهرست منابع

### الف: کتاب‌ها

1. قرآن کریم (ترجمه محمدمهدی فولادوند، 1373، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)
2. نهج البلاغه، (ترجمه حسین انصاریان، 1386، تهران، پیام آزادی).
3. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (1419 ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
4. ابن ابی یعقوب، احمد، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، قم، اهل بیت علیهم السلام.
5. ابن اعثم کوفی، احمد بن علی، (1411 ق)، الفتوح، بیروت، دار الأضواء.
6. ابن بابویه، محمد بن علی، (1413 ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
7. ابن بابویه، محمد بن علی، (1395 ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیة.
8. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (1404 ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، قم، جامعه مدرسین.
9. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (1984 ق)، التحریر و التنویر، تونس، دار التونسیة للنشر.
10. ابن فارس، احمد، (1404 ق)، معجم المقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
11. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (1419 ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة.
12. بابا پور گل افشانی، محمدمهدی، (1390)، انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ها و فرایند شکل گیری، قم، مرکز بین المللی نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
13. بشریه، حسین، (1387)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران، موسسه نگاه معاصر.
14. بلاذری، احمد بن یحیی، (1417 ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر.
15. ثعلبی، احمد بن محمد، (1422 ق)، الكشف و البیان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
16. جزری، ابن اثیر، (1385)، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار الصادر.
17. جوادی آملی، عبدالله، (1389)، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، قم، اسراء.
18. حسنی، علی اکبر، (1380)، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
19. حمیری، عبدالله بن جعفر، (1413 ق)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
20. دیلمی، حسن بن محمد، (1408 ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
21. ذهبی، شمس الدین، (1409 ق)، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، بیروت، دار الكتاب العربی.
22. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412 ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت / دمشق، دار القلم / الدار الشامیة.



23. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (1385)، منطق ترجمه قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
24. زمخشری، محمود، (1407 ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
25. سبحانی تبریزی، جعفر، (1363)، فروغ ابدیت، قم، نشر دانش اسلامی.
26. سبحانی تبریزی، جعفر، (1425 ق)، رسائل و مقالات، قم، موسسه امام صادق علیه‌السلام.
27. سمرقندی، نصر بن محمد، (1416 ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دارالفکر.
28. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (1404 ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
29. شجاعیان، محمد، (1382)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
30. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریه.
31. طباطبایی، محمدحسین، (1417 ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
32. طبرانی، سلیمان بن احمد، (2008 م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن/ اربد: دار الکتب الثقافی.
33. طبرسی، فضل بن حسن، (1372)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
34. طبری، محمد بن جریر، (1387 ق)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دارالتراث.
35. طبری، محمد بن جریر، (1412 ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
36. طوسی، محمد بن حسن، [بی تا]، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
37. علیدوست، ابوالقاسم، (1391)، فقه و عقل، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
38. عیاشی، محمد بن مسعود، (1380 ق)، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیة.
39. عیوضی، محمدرحیم، (1387)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌های آن، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
40. فارسی، جلال‌الدین، (1374)، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، [مشهد]: بنیاد فرهنگی امام رضا علیه‌السلام.
41. فارسی، جلال‌الدین، (۱۳۶۱)، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
42. فخر رازی، محمد بن عمر، (1420 ق)، التفسیر الکبیر/ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
43. فراهیدی، خلیل بن احمد، (1409 ق)، العین، قم، هجرت.
44. قرشی بنابی، علی‌اکبر، (1371)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
45. قرطبی، محمد بن احمد، (1364)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.

46. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (1405 ق)، فقه القرآن، قم، مکتبه آية الله المرعشی النجفی.
47. قمی، علی بن ابراهیم، (1404 ق)، تفسیر القمی، قم، دار الکتاب.
48. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، (1422 ق)، ینابیع المودة لذو القربی، قم، اسوه.
49. کلینی، محمد بن یعقوب، (1429 ق)، الکافی، قم، دار الحدیث.
50. لیثی واسطی، علی بن محمد، (1376)، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث.
51. محمدی، منوچهر، (1387)، انقلاب اسلامی، زمینها و پیامدها، قم، دفتر نشر معارف.
52. مصباح یزدی، محمدتقی، (1380)، بحثی ساده و کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
53. مصباح یزدی، محمدتقی، (1384)، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
54. مصباح یزدی، محمدتقی، (1387)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
55. مصباح یزدی، محمدتقی، (1388)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
56. مطهری، مرتضی، (1378)، مجموعه آثار، تهران / قم، صدرا.
57. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (1374)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
58. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، (1411 ق)، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
59. ب: مقالات
60. باکویی، مهدی و داوری چلقائی، احد، (1396)، مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن کریم، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره 22: ص 31 - 60.
61. بهروزی لک، غلامرضا، (1392)، رویکردهای مطالعات سیاسی در قرآن کریم، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره 2: ص 39 - 62.
62. لک زایی، نجف و اسفندیار، رجبعلی، (1394)، مناسبات فرهنگ و سیاست از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، شماره 1: ص 1 - 20.
63. نخعی، هادی، (1390)، انقلاب: بغرنجی در مفهوم، تنوع در مصداق، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره 24: ص 131 - 170.
64. نیکفر، جاسب و باقری، محمد، (1395)، انقلاب در قرآن، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره 46: ص 7 - 20.
65. هادیان، ناصر، (1391)، مفهوم انقلاب و تحولات جهان عرب، مجله سیاست، شماره 24: ص 205 - 222.
66. سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ 1395/03/14 (www.khamenei.ir)

